

با پیامبر مهربانی



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

با پیامبر مهربانی

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور : با پیامبر مهربانی/ ابوسجاد اسحاقی.
مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۲۱۶ص.
شابک : 978-964-540-190-8
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه:ص [۲۱۳] - ۲۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- احادیث--احادیث
موضوع : Muhammad, Prophet -- Hadiths
رده بندی کنگره : BP۱۴۲/۵ /الف۴۶ب۲ ۱۳۸۸
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۶۳۰۰۴
ص:1

اشاره

زان که ملت را حیات از عشق اوستبرگ ساز کاینات از عشق اوست
اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه و راهنمای کمال و سرچشمه خورشید را جست‌وجو می‌کنند. حضرت علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

بی‌گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند.

پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی بجویید.

به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می‌سازد.

ص: 18

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن‌که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه همراهان ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد. (1)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده

1- ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ج 2، ص 212

سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود.
همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.
چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد. همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموش می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.
شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. جز به ضرورت

سخن نمی‌گفت و می‌فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم‌سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملاً باز نمی‌کرد و زمانی که سخن می‌گفت، شنوندگان سرشان را پایین می‌انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می‌شد، آنان حرف می‌زدند. به پُرگویان هشدار می‌داد و می‌فرمود:

هرکه گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هرکه گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته‌تر است. (1)

آن حضرت هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان

1- بحارالانوار، ج 14، ص 318

سخن بگوییم». (1)
رسول اللّه صلی الله علیه و آله، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه‌گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی‌شد. آداب سخن را کاملاً رعایت می‌کرد، شمرده و آرام سخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می‌گفت و کسی را با سخن نمی‌رنجاند. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.
سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای از کلمات ناب رسول اللّه صلی الله علیه و آله

1- همان، ج 16، ص 280

ص: 22
است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آیینه کلاممان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشاند.

این مجموعه را که با هدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آیینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم زائران ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطرآگین شود.

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی- که صد البته ناچیز و فانی است- معنویت خود را فدا می‌کنند و کالای با ارزش ایمان را به قیمت کم می‌فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان‌کار می‌بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می‌شوند. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان‌کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشند. اینان به کسانی یاری می‌رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النّاسِ مَنزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ القيامَةِ عَبْدَاً أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيا غَيْرِه. (1)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آینده‌نگری در کار

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و معنوی آن راسنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟
کسانی که در زندگی چنین محاسبه‌ای را در نظر می‌گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشنودند. در حقیقت، هر کار سنجیده و حساب شده‌ای به کام‌یابی بسیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زندگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

1- نهج الفصاحة، ش 915

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
اذا ارَدْتَ انْ تَفْعَلَ امْراً فَتَدَبَّرْ عاقِبَتَهُ فَانْ كَانَ خَيْرَاً فَامْضِهِ وَ انْ كَانَ شَرَّاً فَانْتَهِ. (1)
هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

1- همان، ش 171

الف

احترام به حقوق دیگران

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِکَ. (1)

آنچه را برای خود می‌خواهی، برای مردم نیز بخواه.

1- نهج الفصاحة، ش 87

احترام به هم‌نشینان

انسان باید به هم‌نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود.
انسان باید با کسانی هم‌نشین شود که هم‌تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:
افْضَلُ الْحَسَناتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَساءِ. (1)
بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشیان است.
همچنین فرموده است:

1- همان، ش 396

لا تَصْحَبَنَّ أَحَداً لایَری لَکَ کَمِثْلِ ماتَری لَهُ. (1)
با کسی که تو را هم سنگ خود نمی‌داند، هم‌نشینی مکن.

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می‌سازد. گاهی صدقه در قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به هرگونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرْکُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ.(2)

ترک کردن بدی، صدقه است.

1- همان، ش 2461

2- تحف العقول، ص 57

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی؟ باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده‌ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می‌تواند زمینه‌ساز وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است.

در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است. پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ احَبُّ الَیَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَةِ وَ افْضَلُ دِینِکُمُ الْوَرَعُ. (1)
فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد.
همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که

1- تحف العقول، ص 41

پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:
لَانْ یَهْدِیَ اللَّهُ عَلی یَدَیْکَ رَجُلًا خَیرٌ لَکَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْه الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ. (1)
اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این‌گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طورکلی،

1- نهج الفصاحه، ش 2216

نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند.

پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ کَفی بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذا أَعْجَبَ بِرَأْیِهِ. (1)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت

1- نهج الفصاحة، ش 2129

صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از تجربه‌های ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی‌های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه‌های تازه و غیرمنتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:

... لا حَکیمَ إِلّا ذُو تَجْرِبَةٍ. (1)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرمنده و پشیمان می‌گردند و همین پشیمانی سبب می‌شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان می‌کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند.

1- همان، ش 2491

در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشداری آموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ یَضْحَکُ دَخَلَ النّارَ وَ هُوَ یَبْکی. (1)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل

1- نهج الفصاحة، ش 2959

گوناگونی دارد. گاهی برای تضییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت بازمی‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می‌فرماید:

لا تَمْنَعَنَّ احَدَکُمْ مَهابَةُ النّاسِ أَنْ یَقُومَ بِالْحَقِّ إِذا عَلِمَهُ. (1)

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حقّی که از آن آگاهید، باز دارد.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی

1- همان، ش 2488

هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. ازاین‌رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است. پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلفاجِرُ الرّاجی لِرَحْمَةِ اللّٰهِ تَعالی أَقْرَبُ مِنْها مِنَ الْعابِدِ الْمُقْنِطِ. (1)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.

1- همان، ش 2062

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست.
افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می‌کنند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند.
با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشیمان و به پاک‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند.
اینان آن گاه که بر اثر وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آلایند، از خدا استغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می‌دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او

دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش‌ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می‌کند و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبی لِصُورَةٍ نَظَرَ اللَّهُ الَیهَا تَبْکِی عَلیَ ذَنْبٍ لَمْ یَطَّلِعْ عَلَی ذَلِکَ الذَّنْبِ احَدٌ غَیْرُ اللَّهِ. (1)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی‌داند که مسیر هدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر

1- تحف العقول، ص 8

انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنایی نصیب او می‌گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود. داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.

چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک‌بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:

یَا عَلِیُّ! انَّهُ لا فَقْرَ اشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ.(1)

ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است.
شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می‌گوید که ایشان را ناراحت می‌کند.
ازاین‌رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج

1- تحف العقول، ص 6

و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان بپردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره معیار غیبت می‌فرماید:

ما کَرِهتَ أَنْ تُواجِهَ بِهِ اخاکَ فَهُوَ غیبَتُهُ. (1)

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می‌کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنّت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست

1- نهج الفصاحه، ش 2655

نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی‌باید خویشتن‌دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

ایّاکُمْ وَ الدَّیْنَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّیْلِ وَ مَذلَّةٌ بِالنَّهارِ.(1)

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی

1- نهج الفصاحة، ش 990

بریزیم. افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآییم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می‌ستاید. ایشان می‌فرماید:

خِیارُکُمْ مَنْ ذَکَّرَکُمْ بِاللَّهِ رُؤْیَتُهُ وَ زادَ فِی عِلْمِکُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغَّبَکُمْ فِی الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (1)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست‌یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد.
حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال‌جو، در دام آنها اسیر نمی‌شود. مگر نه این

1- همان، ش 1478

است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی ا و را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها هیچ جنبنده‌ای را بی‌غذا رها نمی‌سازد.
پس چگونه انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست‌یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:
احَبُّ الْعَمَلِ الَی اللَّهِ ثَلاثُ خِصالٍ: مَنْ اتَی اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَیْهِ فَهُوَ مِنْ اعْبَدِ النَّاسِ وَ مَنْ وَرَعَ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ اوْرَعِ النَّاسِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ اغْنَی النَّاسِ. (1)

1- تحف العقول، ص 7

ص: 44
بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.

بی‌احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه‌روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ‌گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگه‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌نشناسی به والدین ناسزا بگوید و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های

طاقت‌فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی‌حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَباهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (1)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گوید، ملعون است.

1- نهج الفصاحه، ش 2744

پ

پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزشند.

آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند. بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او بپرهیزند.

بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل‌زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَ کَلامُهُ کَثُرَ سَقَطُه. (1)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

1- همان، ش 2751

همچنین می‌فرماید:
نِعْمَ الْهَدِیَّةُ الْکَلِمَةُ مِنْ کَلامِ الْحِکْمَةِ. (1)
چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار حکمت‌آموز.

پرخوری

بعضی افراد گمان می‌کنند هر چه بر سر سفره گذاشته‌اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می‌خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری‌ها و بر خلاف توصیه‌های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارند پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخیزید. بسیاری از اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غذای بیش از حد منع می‌کنند، باز می‌بینیم که آنان نمی‌توانند از اشتهای کاذب خود جلوگیری کنند. در نتیجه، به بیماری‌های دیگری دچار می‌شوند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان

1- همان، ش 3132

زیان‌های پرخوری می‌فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسا قَلْبُهُ. (1)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

کسانی که به پرخوری عادت دارند، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می‌مانند؛ زیرا پرخوری، امکان هرگونه فعالیتی را از آنان می‌گیرد.
در این صورت، به تدریج در چنگال انواع بیماری‌های جسمی و روحی گرفتار می‌شوند و سلامتی خود را از دست می‌دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می‌گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

1- همان، ش 2779

ص: 50

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعامِ وَالشَّرابِ قَسا قَلْبُهُ. (1)

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می‌شود.

پرده‌پوشی

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظرگاه الهی دور نمی‌ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه‌دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می‌شود و چه بسا وی گستاخ‌تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

لا تَخْرِقَنَّ عَلی احَدٍ سِتراً. (2)

هرگز پرده اسرار دیگران را نَدرید.

1- نهج الفصاحة، ش 2776

2- همان، ش 2431

پرسش قیامت

یکی از نام‌های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان باید پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هرچند خداوند از نهان و پنهان ما آگاه است. در این روز، از سرمایه عمر انسان می‌پرسند و از اینکه عمر گران‌مایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می‌تواند بار و بنه فراوان برچیند (یعنی جوانی) می‌پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره‌برداری کرده است. از مالش می‌پرسند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصرف کرده است. در پایان نیز می‌پرسند که آیا عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
لا تَزُولُ قَدَما عَبْدٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ حَتی یُسْأَلَ عَنْ

ارْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيما افْناهُ وَ عَنْ شَبابِهِ فيما ابْلاهُ وَ عَنْ مالِهِ مِنْ ايْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا انْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنا اهْلِ الْبَيْتِ. (1)
روز قيامت، هيچ بنده‌اى قدم از قدم بر نمى‌دارد تا اينكه چهار چيز از او پرسيده شود:
از عمرش كه در چه كارى آن را گذرانده است؛ از جوانى‌اش كه در چه كارى آن را صرف كرده است؛ از مالش كه آن را از كجا به دست آورده و در چه موردى خرج كرده است و از محبت ما اهل بيت.

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته‌های آدمی افزاید و درجه‌ای هم نزد خالق هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و

1- بحارالانوار، ج 7، ص 258؛ ارشاد القلوب، ج 1، ص 15

مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست.

عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزائِنُ وَ مَفَاتِیحُهُ السُّؤالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَکُمُ اللَّهُ فَانَّهُ تُؤْجَرُ ارْبعَةٌ: السَّائِلُ وَ الْمُتَکَلِّمُ وَ الْمُسْتَمِعُ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ. (1)

1- تحف العقول، ص 41

ص: 54

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس بپرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند:

پرسنده، پاسخ گو، شنونده و دوستدار آن.

پرهیز از نجوا

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت‌وگوی‌تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن‌تان را با ایشان در میان نگذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد.

شایسته است از گفت‌وگوهای خصوصی در حضور دیگران بپرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشداری می‌فرماید:

اذا کانُوا ثَلاثَةً فَلا یَتَناجی إِثْنان دُونَ الثّالِثِ. (1)

1- نهج الفصاحة، ش 235

ص: 55

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست می‌یابند. باری، آدمی با پشتکار می‌تواند بسیاری از ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول اللّه صلی الله علیه و آله در تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ یُدِمْ قَرْعَ الْبابِ یُوشَکُ أَنْ یُفْتَحَ لَهُ. (1)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی

1- همان، ش 3065

ص: 56

او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

بعضی از انسان‌ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می‌شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره‌های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می‌کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کنند، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شمارند. چه سعادتی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

انَّ لِلّٰهِ عِباداً یَفْزَعُ الَیْهِمُ النّاسُ فِی حَوائِجِهِم، اولئِکَ هُمُ الْآمِنُونَ مِنْ عَذابِ اللّٰهِ یَوْمَ

الْقِیامَةِ. (1)
خداوند بندگانی دارد که مردم در نیازمندی‌ها و مشکلاتشان‌به آنان مراجعه می‌کنند و پناه‌می‌برند.
آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

اطَّلِعْ فِی الْقُبُورِ وَ اعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ. (2)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

1- تحف العقول، ص 52

2- نهج الفصاحه، ش 330

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان بپردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اذا وَجَدَ أَحَدُکُمْ لِاخیهِ نُصْحاً فِی نَفْسِه فَلْیَذْکُرْهُ لَهُ. (1)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

1- همان، ش 245

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجامِ کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بیند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لا تَدَعَنَّ حَقّاً لِغَدٍ فَانَّ لِکُلِّ یَوْمٍ ما فِیهِ. (1)

کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

1- همان، ش 2433

تحقیر دیگران

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روانِ برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذَلُّ النّاسِ مَنْ اهانَ النّاسَ. (1)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

انسان درصورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند

1- همان، ش 250

که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت.

برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام دراین‌باره فرموده است:

لاعَقْلَ کَالتَّدْبیرِ وَ لاوَرَعَ کَالْکَفِّ. (1)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است. چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن

1- همان، ش 2504

مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می‌کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیچ‌گاه آن‌گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اذاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِعِهَا. (1)

1- اصول کافی، ج 2، ص 356

ص: 63

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران مرتکب می‌شود، مستوجب مجازات بیشتری خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی‌اهمیت دانستن دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند و سبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند. در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش می‌یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این ناهنجاری می‌فرماید:

كُلُّ امَّتى مُعافى إِلّا الْمُجاهِرينَ. (1)

همه امّت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

1- نهج الفصاحه، ش 2167

تظاهر و ریا

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیری و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سر بازمی‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی‌ارزش می‌کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می‌دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به

هدر نمی‌دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می‌افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی‌شمارد:
لِلْمُرائِی ثَلاثُ عَلاماتٍ: یَنْشَطُ اذَا کَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ یَکْسَلُ اذَا کَانَ وَحْدَهُ وَ یُحِبُّ انْ یُحْمَدَ فِی جَمِیعِ الْامُورِ. (1)
شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی‌هایی دچار می‌شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد. یکی از بهترین راه‌های تصفیه ناخالصی‌ها،

1- تحف العقول، ص 10

تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می‌کند. در حقیقت، کلام قرآن، معجون شفابخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیاییم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هذِهِ الْقُلوُبَ تَصْدَءُ کَمایَصْدَءُ الحَدیدُ. قیل فما جَلاءُها؟ قالَ: ذِکْرُ الْمَوْتِ وَ تِلاوَةُ الْقُرْانِ. (1)

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست»؟ گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

1- نهج الفصاحه، ش 934

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:
مَنْ حَضَرَ مَعْصِیَةً فَکَرِهَها فَکَأَنَّما غابَ عَنْها وَ

مَنْ غابَ عَنْها فَرَضِيَها فَكَانَّهُ حَضَرَها.(1)
هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف‌تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او درآورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود درآورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی‌پایان الهی می‌پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می‌نهد، این توانایی افزایش می‌یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر

1- نهج الفصاحة، ش 2927

می‌بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می‌فرماید:

مَنْ احَبَّ انْ یَكُونَ اقْویَ النّاسِ فَلْیَتَوَكَّلْ عَلَی اللَّهِ. (1)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی‌تر باشد، باید به خدا توکل کند.

بعضی مال‌باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می‌زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی‌درنگ دادگاه غیابی تشکیل می‌دهند و آبروی دیگران را بر باد می‌دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه

1- همان، ش 2819

اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای‌مال سازد.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:
لایَزالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِی تُهْمَةِ مَنْ هُوَ بَرِئٌ مِنْهُ حَتّی یَکُونَ أَعْظَمَ جُرْماً مِنَ السّارِقِ. (1)
دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن قَدر تهمت می‌زند که گناهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

1- همان، ش 2539

ث

ثروت‌مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی- وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ گو، دارا، شیّاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این‌گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی‌کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در نکوهش ثروت‌مندان بی‌تفاوت می‌فرماید:
وَیْلٌ لِلْاَغْنِیاءِ مِنَ الْفُقَراءِ. (1)
وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به] نیازمندان.

1- همان، ش 3187

ج

جبران نیکی

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس‌گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند.

چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس‌گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس‌گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

مَنْ اتَی الَیْکُمْ مَعْرُوفاً فَکافُوهُ، فَانْ لَمْ تَجِدُوا فَأَثْنُوهُ فَانَّ الثَّناءَ جَزَاءٌ. (1)
کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس‌گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند. رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک

1- تحف العقول، ص 49

همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کند، پرهیز کنند.
پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:
کَفی بِکَ إِثْماً أَنْ لاتَزالَ مُخاصِماً. (1)
همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جلب اعتماد مردم

بعضی‌ها آن قدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سختی‌ها، آنان را پشتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست‌های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فدای خواسته‌های زودگذر دنیوی

1- نهج الفصاحه، ش 2138

نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

کَفی بِالْمَرْءِ سَعادَةً أَنْ یُوثَقَ بِهِ فی أَمْرِ دینِهِ وَ دُنْیاهُ. (1)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش به او اعتماد کنند.

جلب رضایت الهی

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند.

آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که

1- همان، ش 2135

دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:
مَنْ إِلْتَمَسَ رِضیَ‌اللّٰهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِیَ‌اللَّهُ عَنْهُ .... (1)
هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود ....

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با
.

1- نهج الفصاحة، ش 2783

پاسخ‌گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

انَّ لِجوَابِ الْکِتابِ حَقّاً کَرَدِّ السَّلامِ. (1)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان‌گونه که پاسخ سلام واجب است.

1- همان، ش 880

ج

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می‌کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینه می‌کند. موضوع اینکه فلانی چه می‌کند، چه معامله‌ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می‌کند. رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:
مَنْ مَدَّ عَیْنَیْهِ الَی مَا فِی ایْدِی النَّاسِ مِنْ

دُنْیاهم طالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَّمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَغَّصَ عَلَیْهِ عَیْشُهُ. (1)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می‌شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم‌ناک می‌گردد و زندگی برای او تیره می‌شود.

1- تحف العقول، ص 51

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجا یا نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زبانزد خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از ارتباط با مردم دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند.

چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را بی‌دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی

برادران دینی می‌فرماید:
مَنْ رَدَّ عَنْ عِرْضِ اخیهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجهِهِ النّارَ. (1)
خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، بازمی‌دارد.

حق‌کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کنند تا صاحب حق را به چشم‌پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش

1- نهج الفصاحه، ش 3014

از این نقشه‌های فریب‌کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:

وَیْلٌ لِمَنْ اسْتَطالَ عَلی مُسْلِمٍ فَانْتَقَصَ حَقَّهُ. (1)

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه‌دار شود، سبب از میان رفتن بنیان‌های خانوادگی می‌گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است.
البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودّت پیشین را به آنان

1- نهج الفصاحة، ش 3192

بازگرداند. رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:
أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلاحُ ذاتِ الْبَیْنِ.(1)
بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

برخی می‌پندارند برای رسیدن به مقام‌های معنوی، باید بسیاری از نعمت‌های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره نگیرند. ازاین‌رو، می‌کوشند با پرهیز از خوردنی‌ها و نعمت‌های گوناگون خداوند، برخود و خانواده خویش، سخت‌گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی‌رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می‌آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت‌گیری بی‌مورد، روح و

1- همان، ش 407

جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرِّمَ الْحَلالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرامِ. (1)

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از حقوق خود پاسداری کند. اسلام

1- همان، ش 902

چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الحیاءُ وَالایمانُ قُرِنا جَمیعا فَاذا رُفِعَ احَدُهُما رُفِعَ الْآخَرُ. (1)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

1- نهج الفصاحة، ش 1429

خ

خبر ناموثق

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی‌اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگانشان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت

محمد صلی الله علیه و آله- آن امین راست‌گو- می‌فرماید:
کَفی بِالْمَرءِ إِثْماً أَنْ یُحَدِّثَ بِکُلِّ مایَسْمَعُ. (1)
در گناه‌کار بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، نقل کند.

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می‌بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می‌داند. ایمان به خداوند در اعماقِ جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ‌گاه گسسته نمی‌بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک‌ترین یاور خود می‌داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی‌ها به درگاه ربوبی روی می‌آورند و پس از حل مشکل، به خدافراموشی و خودگرایی مبتلا می‌شوند. او، مودّت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح

1- همان، ش 2136

می‌دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی‌فروشد. پیامبر گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:
اتَّقِ اللَّهَ فِی عُسْرِکَ وَ یُسْرِکَ.(1)
هنگام سختی و خوشی، خداترس باش.

مردان خدا می‌توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می‌توانند با سخنان دل‌نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می‌بخشد و به محبت و مودّت خالق، رهنمون می‌کند. چه زیبا است انسان به درجه‌ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه،

1- همان، ش 33

رهنمون ساخت، می‌فرماید:
حَبِّبُوا اللّٰهَ إِلی عِبادِهِ یُحِبُّکُمُ اللَّهُ. (1)
خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب‌کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته‌اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق اللّٰه، چنان شیفته و از خود باخته‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و هر شب به امید آن می‌خوابند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسته‌ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه‌تر می‌شوند.

1- نهج الفصاحة، ش 1344

در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می‌فرماید:
إِذا ارادَ اللّهُ بِعَبْدٍ خَیْرَاً صَیَّرَ حَوائجَ النّاسِ الَیْه. (1)
وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواهد، حاجت مردم را در دست او قرار می‌دهد.

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می‌گیرد و با بی‌رحمی تمام، او را بر زمین می‌کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می‌کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می‌ریزد و ابزار تعقل او را از کار می‌اندازد. در این هنگام، تصمیم‌هایی می‌گیرد که پی‌آمدهای جبران‌ناپذیری

1- نهج الفصاحه، ش 144

خواهد داشت. چه بسا انسان‌هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی ازعمر ارزشمند خود را پشت میله‌های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده‌اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می‌دهد یا سخنانی را بر زبان می‌آورد که از وقار او می‌کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می‌برد. برای رهایی از چنین پی‌آمدهای زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرمایید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرمایید:

حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَیْسَ الشَدیدُ بِالصُّرعَةِ انَّمَا الشَدیدُ الَّذی یَمْلِکُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (1)

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین

1- تحف العقول، ص 47

بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح‌گاهی

بعضی افراد، صبح‌گاهان از بستر خواب برمی‌خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می‌گیرند. عده‌ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می‌غلتند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را انجام داده‌اند، وی با کسالت از خواب برمی‌خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می‌ماند. پس شایسته است که به توصیه‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی‌ثمر چشم بپوشیم. ایشان می‌فرماید:

أَلصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ. (1)
خواب صبح‌گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

از عادت‌های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می‌خوانند یا در کار دیگران تجسس می‌کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می‌گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه‌های همدیگر را بخوانند، ناراحت می‌شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی‌خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده‌ای، می‌فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِی کِتابِ أخیهِ بِغَیرِ إِذْنِه فَکَأَنّما یَنْظُرُ فی النَّارِ. (2)

1- نهج الفصاحه، ش 1857

2- نهج الفصاحة، ش 2846

ص: 95

هر کس بی‌اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می‌جوید. ازاین‌رو، همواره می‌کوشد فضای زیستگاهش عطرآگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان‌های ارزشمند مانند مساجد و زیارت‌گاه‌ها بیشتر تأکید می‌کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان‌ها می‌شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش‌بو بود و به دیگران توصیه می‌فرماید:

انَّ خِیارَ عِبادِاللّهِ المُوفوُنَ المُطیبُونَ. (1)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می‌کنند و عطر به کار می‌برند.

1- همان، ش 850

خوش‌رفتاری با خانواده

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش‌رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع دربست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

خِیارُکُمْ خَیْرُکُمْ لِاهْلِهِ. (1)
بهترین شما کسانی هستند که برای اهل‌خود بهترند.

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می‌داند؛ یعنی آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می‌کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می‌برد و این، اوج خیرخواهی است. مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی‌اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می‌فرماید:

احْبِبْ لِلنّاسِ ما تُحِبُّ لِنَفْسِکَ. (2)

آنچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

1- همان، ش 1477

2- همان، ش 87

د

دانش‌اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جسته‌اند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

اعْلَمُ النّاسِ مَنْ جَمَع عِلْمَ النّاسِ الی عِلْمِهِ. (1)
دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.
دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا موفقیت لازم را به دست آورد. دانش‌طلبان از شتاب نکردن در بهره‌گیری از زمان، بیشترین زیان را می‌بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی‌جویی و پی‌گیری علم را تا راه‌های دوردست توصیه می‌کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:
اغْدُوا فِی طَلَبِ الْعِلْمِ فَانّ الْغُدُوَّ بَرَکَةٌ وَ نَجاحٌ. (2)

1- همان، ش 360
2- نهج الفصاحة، ش 376

ص: 101
در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام‌یابی است.

دانشمندان بی‌عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می‌کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می‌دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می‌کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می‌دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می‌یابند و سعادتمند و رستگار می‌شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می‌رسد و باید به دانستنی‌های خود عمل کنند، درمانده می‌شوند و در مقام عمل کم می‌آورند. تو گویی این اندوخته‌ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می‌کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان‌های خویش بهره‌ای ندارند.
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی‌عمل می‌فرماید:

يُطْلِعُ قَوْمٌ مِنْ اهْلِ الْجَنَّةِ الَى قَومٍ مِنْ اهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا ادْخَلَكُمُ النَّارَ وَ قَدْ دَخَلنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأدِيْبِكُمْ وَ تَعْلِيْمِكُمْ فَيَقُولُونَ انَّا كُنَّا نَأمُرُ بِالْخَيْرِ وَلَا نَفْعَلُهُ.(1)

گروهی از بهشتیان به عده‌ای از دوزخیان نظر می‌افکنند و می‌گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده‌ایم. آنان در پاسخ می‌گویند: ما به نیکی امر می‌کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی‌کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره‌برداری کند، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشریت داشته باشد. عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می‌تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر

1- وافی، ج 14، ص 52

می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد.
دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود. بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند:
ایُّ النَّاسِ شَرٌّ.
کدام یک از مردم بدترند؟
ایشان فرمود:
الْعُلَمَاءُ اذَا فَسَدُوا. (1)
دانشمندان هر گاه فاسد شوند.

1- تحف العقول، ص 35

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد.
آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی‌گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عافیت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها

آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند.
پیامبر دانش‌گستر و دانشمندپرور در فضیلت دانش می‌فرماید:
بِالْعِلْمِ یُطاعُ اللّهُ وَ یُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ یُعْرَفُ اللّهُ وَ یُوَحَّدُ وَ بِهِ تُوصَلُ الْارْحامُ وَ یُعْرَفُ الْحَلالُ وَ الْحَرامُ وَ الْعِلْمُ امامُ الْعَقْلِ. (1)
با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد.
به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا می‌شود و حلال و حرام شناخته می‌گردد و دانش، پیشوای عقل است.

1- تحف العقول، ص 28

درخواست

تمنّا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغنای نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به

سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قِلَّةُ طَلَبِ الْحَوائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَی الْحَاضِرُ وَ کَثْرَةُ الْحَوائِجِ الَی النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحاضِرُ.(1)

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است.
دروغ گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ گو از دست

1- تحف العقول، ص 9

می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود.
دروغ گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده است. هر کس راست‌گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ‌گوتر است، بیشتر مردم را دروغ‌گو می‌شمارد.
از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:
ایَّاکَ وَ الْکِذْبَ فَانَّ الْکِذْبَ یُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ یُکْتَبُ عِنْدَ اللّهَ کَذّاباً وَ انَّ الصِّدْقَ یُبَیِّضُ الْوَجْهَ وَ یُکْتَبُ عِنْدَ اللّهِ صادِقاً وَ اعْلَمْ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَکٌ وَ الْکِذْبَ مَشْؤُومٌ. (1)
از دروغ بپرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و

1- تحف العقول، ص 14

سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ‌گو نوشته می‌شود و راست گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست‌گو نوشته می‌شود و بدان که راست گویی، مبارک و دروغ گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان‌دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی‌نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی‌نفع متوجه نشود که با چه واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است.

پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

اسْرَعُ الدُّعاءِ اجابَةً دعاءُ غائِبٍ لِغائِبٍ. (1)
سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل‌کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبادا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این‌باره می‌فرماید:
ایَّما داعٍ دَعا الی ضَلالَةٍ فَاتُّبِعَ فَانَّ عَلَیْهِ مِثْلَ

1- نهج الفصاحه، ش 291

اوْزارِ مَنِ اتَّبَعَهُ ....(1)
هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل‌کنندگان به آن خواهد داشت ....

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه با تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب‌هایی همراه است. انسان اندیشمند از تحول‌های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می‌آموزد و درمی‌یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار است. از طبیعت بی‌جان که با رویش جوانه‌ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می‌یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام‌ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می‌برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی‌خیزد و خود را برای روزی آماده می‌کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی‌شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند

1- همان، ش 1026

نمی‌گیرند، نکوهش می‌کند و می‌فرماید:
اغْفَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ یَتَّعِظْ بِتَغَیُّرِ الدُّنْیا مِنْ حالٍ إِلی حالٍ. (1)
غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.

مردم دنیا پرست بسیارند و افراد دنیادار هم بی‌شمار.
تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می‌کند و اندیشه آنان از شهوت‌ها فراتر نمی‌رود. اگر از دین سخن می‌گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست‌یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده‌اند. اگر میان دین و دنیایشان تزاحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرند، ولی شتابان

1- نهج الفصاحة، ش 379

به دور دنیا می‌چرخند و تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق‌کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی‌گردان نیستند. آنان نمی‌دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش‌گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این‌گونه افراد می‌فرماید:

یَأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمانٌ لَا یُبَالِی الرَّجُلُ مَا تَلِفَ مِنْ دِیْنِهِ اذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْیَاهُ. (1)

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی‌دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که

1- تحف العقول، ص 52

مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می‌گیرد.
مردم می‌پندارند او نیز در سلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم‌نشینی با آنان ادامه نمی‌داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصلت آنان را بگیرد و رنگ الهی خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:
اوْلَی النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جالَسَ اهْلَ التُّهْمَةِ.(1)
هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

آفرینش انسان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هرچند به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهد.

1- نهج الفصاحه، ش 975

حب به ذات سبب می‌شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی‌ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می‌گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می‌دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می‌کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خداپسندانه و اصلاح امور هم‌نوعان تجلی می‌یابد.

پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحبٍّ و محبوب می‌فرماید:

مَنْ اثَرَ مَحَبَّةَ اللّٰهِ عَلی مَحَبَّةِ النّاسِ کَفاهُ اللّٰهُ مَؤُنَةَ النّاسِ. (1)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می‌کند.

1- همان، ش 2837

ر

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به‌طور کامل از بین می‌رود. رسول اللَّه صلی الله علیه و آله، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

کَبُرَتْ خِیانَةً أَنْ تُحَدِّثَ أَخاکَ حَدیثاً هُوَ لَکَ بِهِ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ لَهُ کاذِبٌ. (1)

1- نهج الفصاحة، ش 2120

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را راست‌گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم‌کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به مقصد برسند. در یک قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود.
پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت ره‌جویان می‌فرماید:

... ارْشادُکَ الرَّجُلَ فی أَرْضِ الضَّلالِ لَکَ صَدَقَةٌ .... (1)
... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است ....

رسوایی آخرت

بی‌شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد. روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف بپردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید

1- نهج الفصاحه، ش 1119

برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این‌باره می‌فرماید:
فُضُوحُ الدُّنْیا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ اْلآخِرَةِ. (1)
رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخرت است.

1- همان، ش 2057

ز

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسبیح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست.
زهد به معنای بی‌خبری انسان از عالم سیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه‌گیری و گره گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می‌کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب

و شیران روز بودند. پیامبراعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِی الدُّنْیا قَصْرُ الْاَمَلِ وَ شُکْرُ کُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرْعُ عَنْ کُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ(1)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

به راستی که کلام، معجزه‌گر است و می‌تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هرجا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می‌گفتند؛ زیاده‌گو و تناقض‌گو نبودند.

1- همان، ص 58

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند.
آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه می‌گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند.
پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:
الْجَمَالُ فِی اللِّسانِ. (1)
زیبایی در زبان است.

1- تحف العقول، ص 37

س

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه‌طلبی و دنیادوستی روآورده‌اند، ساده‌زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی‌دارند، عقب افتاده و واپس‌گرا می‌نامند.

آنان چنان در تجمل‌گرایی فرورفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده‌زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند. خانه دل و جان تجمل‌گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده‌زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می‌فرماید: أَخْشی ما خَشیتُ عَلی أُمَّتی کِبَرُ البَطْنِ وَ مُداوَمَةُ النَّوْمِ وَ الْکَسَلُ وَ ضَعْفُ الْیَقینِ. (1)

1- نهج الفصاحه، ش 109

ص: 126
بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخوابی و کسالت و سست‌ایمانی بیم‌ناکم.

ستایش بدکار

بی‌شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی‌تری نسبت به انجام دادن کار می‌یابد و با تنبیه می‌کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلّم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره‌مند شود، نه تنها نوعی بی‌عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم‌تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می‌زند و روز به روز بر

شمار زشت‌کاران می‌افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم‌های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می‌فرماید:

اذا مُدِحَ الْفاجِرُ اهْتَزَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ.(1)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی‌آید و خداوند خشمناک می‌شود.

سحرخیزی و بی‌نیازی

سحرخیزی و بی‌نیازی از ویژگی‌های مردان خداست. آنان در سایه سحرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می‌شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می‌گیرد.
اینان هر چند از امکانات مادی بی‌بهره‌اند، ولی چنان

1- تحف العقول، ص 46

عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی‌تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن‌شان اثرگذار و کارشان مورد تأیید همگان است. این بزرگ‌مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت‌های نیکو را در آنان می‌ستاید:

شَرَفُ الْمُؤْمِنِ قِیامُهُ بِاللَّیْلِ وَ عِزُّهُ اسْتِغْناؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (1)

شرف مؤمن در شب زنده‌داری اوست و عزت وی در بی‌نیازی از مردم است.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص درآویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ‌بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می‌سازد و او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند. انسان

1- نهج الفصاحة، ش 1815

در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می‌زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند.
آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:
ثَلَاثٌ مُوبِقاتٌ: هَویً مُتَّبَعٌ وَ شُحٌّ مُطاعٌ وَ اعْجابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (1)
سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوسی که پیروی می‌شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

1- تحف العقول، ص 8

برخی مردم، دارایی و اندوخته‌های خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و هنگام دیدار خدا، سبک‌بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده‌اند.
گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می‌افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته‌اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده‌اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می‌پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی‌شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:
لَأَنْ یَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فی حَیاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَیْرٌ لَهُ

مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِأَئةٍ عِنْدَ مَوْتِهِ. (1)
اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می‌شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می‌رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی‌میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می‌کاهد. بی‌میلی نشانه بی‌انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.
نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می‌دارد که با رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و

1- نهج‌الفصاحه، ش 2210

بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی‌تواند آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می‌داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می‌شد و نماز تا عمق جان او می‌نشست، به گونه‌ای که گفته‌اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می‌دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می‌کشید و آن را با آداب کامل بجا می‌آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این‌گونه سخن می‌گوید:

یَا عَلِیُّ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفَتْرَةُ. (1)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه‌ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام،

1- تحف العقول، ص 6

واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد.
از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و رفتارهای ماشینی عوض نکنیم.
سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش‌قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برباید. آن پیامبر رحمت می‌فرماید:
افشُوا السَّلامَ تَسْلَموا. (1)
سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سوغات سفر

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است.

1- نهج الفصاحه، ش 382

در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند.

البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

اذا قَدِمَ احَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدَمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَ لَوْ يُلْقی فی مِخْلاتِهِ حَجَراً. (1)

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توبره خود بیاندازد.

1- نهج الفصاحه، ش 228

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده‌اند برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشرعی است. اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می‌کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می‌کاهد. البته انسان برای ترک هر عادتی باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت‌های نکوهیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را برنمی‌تابند و از پیروان خود می‌خواهند آن را ترک کنند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تَحْلِفْ بِاللَّهِ کَاذِباً وَ لَا صَادِقاً مِنْ غَیْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِیَمِینِکَ

فَانَّ اللَّهَ لَا یَرْحَمُ وَ لَا یَرْعی مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ کَاذِباً.(1)
سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرارمده؛ زیرا خدا به‌کسی که به نام او سوگند دروغ می‌خورد، رحم نمی‌کند و او را مورد ملاطفت خود قرار نمی‌دهد.

1- تحف العقول، ص 14

ش

وحشتی بی‌سابقه، دهشتی بی‌مانند، هولی پریشان‌زا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را دربرمی‌گیرد. همه دل‌ها مضطرب و در تشویش؛ همه بدن‌ها لرزان؛ همه چشم‌ها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی‌توان به مکر و حیله روی آورد و به‌گونه‌ای از مهلکه خود را رهانید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راه‌ها برای گریز و رهایی سود می‌جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسان‌ها همه در پیش‌گاه عدل الهی قرار می‌گیرند و کردارها سنجیده می‌شود. جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه‌سار لطف الهی قرار گرفته‌اند. آنان چنین فرجام

نیکی را با شب‌زنده‌داری و حرکت در دایره شریعت برای خویش مهیا ساخته‌اند. همان وعده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

کُلُّ عَیْنٍ بَاکِیَةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ الّا ثَلاثَةَ اعْیُنٍ: عَیْنٌ سَهرَتْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللَّهِ وَ عَیْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْیَةِ اللَّهِ. (1)

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می‌تواند در کارها پیشرفت کمّی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد

1- تحف العقول، ص 8

نمی‌کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود.
بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می‌گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت کیفی در کارها و پیش‌گیری از رکود و کم کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
مَنْ عَمِلَ عَلَی غَیْرِ عِلْمٍ کَانَ مَا یُفْسِدُ اکْثَرَ مِمَّا یُصْلِحُ. (1)
کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

1- تحف العقول، ص 47

شتاب در توبه

کاروان مرگ بی‌خبر به سراغ ما می‌آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی‌دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته‌اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته‌های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی‌منتهای الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشداری ارزنده می‌فرماید:

تُوبُوا الی رَبِّکُمْ مِنْ قَبْلِ انْ تَمُوتُوا ....(1)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید ....

مؤمن- همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی‌شناسد- نه تنها از آموختن مطالب

1- نهج الفصاحه، ش 1188

حکمت‌آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثارمثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حقِّ گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم.

پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ یَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَیْرٍ یَسْمَعُهُ حَتَّی یَکُونَ مُنْتَهاهُ الجَنَّةَ. (1)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

1- همان، ش 2292

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ‌گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای‌مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند.

در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه‌جویی روی می‌آورد. پیامبر رحمت در هشداری به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شاهِدِ الزُّوُّرِ حَتّی یُوجِبَ اللّٰهُ لَهُ النّارَ.(1)

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.

1- نهج الفصاحة، ش 2287

ص

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حیله و بازارگرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟
پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:
یا مَعْشَرَ التُّجّارِ إِنَّ اللَّهَ باعِثُكُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ

فُجّاراً إِلّا مَنْ صَدَقَ وَ أَدَّی الْأَمانَةَ. (1)
ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست‌کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود. این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید و آگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:
لایَدْخُلُ الْجَنَّةَ قاطِعُ رَحِمٍ. (2)
قطع کننده رحم وارد بهشت نخواهد شد.

1- همان، ش 3204
2- همان، ش 2533

ض

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده‌ای است، اگر:
1. برای تحکیم رشته‌های محبت باشد.
2. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.
3. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌های الهی نگردد.
در این صورت، نشست و برخاست‌ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می‌آورد.
بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی‌شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت‌مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می‌توان انسان‌هایی را که

تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟
حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:
بِئْسَ الطَّعامُ طعامُ العُرْسِ یَطْعَمُهُ الأَغْنِیاءُ وَ یُمْنَعُهُ الْمَساکینُ. (1)
چه بد است خوراک عروسی که ثروت‌مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

1- نهج الفصاحة، ش 1080

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند. تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می‌گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می‌کند:

اطْلُبِ الْعافِیَهَ لِغَیْرِکَ تَرْزُقْها فِی نَفْسِکَ. (1)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

1- همان، ش 326

ع

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌ها و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم‌خبرند.

بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می‌رساند.

هر عالمی باید باتوجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با بینشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ عالِمٍ بِالدُّنْيا جاهِلٍ بِالآخِرَةِ. (1)
خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد.
عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این‌گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین

1- همان، ش 796

نرود. بنابراین می‌فرماید:
اعْظَمُ الْعِبادةِ اجْرَاً أَخْفیها. (1)
بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

گاهی انسان در برخوردهای اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مروّت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس‌گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

1- نهج الفصاحة، ش 349

مَنْ لَمْ یَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَنَصِّلٍ صادِقاً کانَ اوْ کاذِباً لَمْ یَنَلْ شَفاعَتی. (1)
هرکس عذر پوزش‌گری را- راست باشد یا دروغ- نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می‌کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افرادی برمی‌خوریم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند.
آیین اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که هیچ‌گاه شخصیت والای خود را به بهای ناچیز نفروشند و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش،

1- همان، ش 2757

به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام می‌فرماید:
إِسْتَغْنُوا عَنِ النّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السِّواکِ. (1)
از مردم بی‌نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عفو به هنگام قدرت

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه‌ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند.
چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان‌های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر

1- همان، ش 283

رحمت در این باره می‌فرماید:
اذِا قَدَرْتَ عَلی عَدُوِّکَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُکْراً لِلْقُدْرَةِ عَلَیْهِ. (1)
وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج، به غم و اندوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود، خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر عذاب روح خود می‌افزاید. پیامبر عزیز اسلام به دوستان و خویشان بیمار توصیه می‌کند که به دیدار وی بروند؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن گاه که کنار بیمار می‌نشینید، از خوشی‌ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و

1- همان، ش 227

سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

عائِدُ الْمَریضِ یَمْشی فی طَریقِ الْجَنَّةِ حَتّی یَرْجِعَ. (1)

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد.

بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. ازاین‌رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه

1- نهج الفصاحة، ش 1926

به آداب آن می‌فرماید:
افْضَلُ الْعِبادَةِ أَجْراً سُرْعَةُ الْقِيام مِنْ عِنْدِ الْمَريضِ. (1)
از بهترين عبادت اين است كه از نزد بيمار، زودتر برخيزى.

1- همان، ش 412

غ

غذای دسته جمعی

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد.
هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر یک سفره، صمیمیّت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذایقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

احَبُّ الطَّعامِ الَی اللَّهِ ما کَثُرَتْ عَلَیْهِ الْایدی. (1)
بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندند. دانشمندان همانند درختان میوه، هرچه پربارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی بی‌بهره‌اند. دانشمندان واقعی هیچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

1- همان، ش 82

مَنْ سَمَّعَ النّاسَ بِعِلْمِهِ سَمَّعَ اللَّهُ بِهِ مَسامِعَ خَلْقِهِ یَوْمَ الْقِیامَةِ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (1)
هرکس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن ببالد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می‌سازد.

حقیقت این است که هیچ کس نمی‌تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی‌داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد. چگونه انسان می‌تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می‌بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می‌کنند. پس برای تهیه ره‌توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی‌توان زیست.

1- نهج الفصاحه، ش 2821

باید لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی‌داند چه سرنوشتی برای فرادی او رقم خورده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می‌فرماید:

مَنْ عَدَّ غَداً مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أساءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ. (1)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

1- نهج الفصاحة، ش 2926

ف

فداکاری برای دین

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در 23 سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود وانسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و

سعادت بپیمایند. ایشان در پندی گران‌بها به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
وَ ابْذُلْ مَالَکَ وَ نَفْسَکَ دُونَ دِیْنِکَ. (1)
مال و جانت را در راه دین خود فدا کن.

مردم دو دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم‌نوعان خود یا از هم‌کیشان خویش می‌شمارند. ازاین‌رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حیله‌گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند.
بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو،

1- تحف العقول، ص 6

آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول اللَّه صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:

لَیْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِماً اوْ ضَرَّهُ اوْ ماکَرَهُ. (1)

کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

1- تحف العقول، ص 42

ص:164

ق

قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌اند که به شیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند. این افراد به دلیل فزونی بدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دَین‌های خود هستند و چه بسا آرزو می‌کنند که کاش به این کار دست نمی‌زدند. اگر این اشخاص با چشم‌پوشی از زیاده‌خواهی، به آنچه داشتند، راضی می‌شدند و زندگی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی‌شدند. رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی‌دلیل زیر بار سنگین قرض‌های متعدد فرو نروند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دَیْن و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

اقِلَّ مِنَ الدَّيْنِ تَعِشْ حُرَّاً. (1)
قرض کمتر بگیر، تا آزاد زندگی کنی.

قناعت‌پیشگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شرف و عزّت آنان را به خطر می‌اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کند تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند و آسان‌تر می‌تواند نردبان تعالی و تکامل را بپیماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می‌کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَیْکُمْ بِالقَناعَةِ فَانَّ الْقَناعَةَ مالٌ لایَنْفَدُ. (2)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان‌ناپذیر است.

1- نهج‌الفصاحه، ش 432

2- همان، ش 1980

ک

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد. انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندند، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

التَّؤْدَةُ فی کُلِّ شَیْئٍ خَیْرٌ الّا فِی عَمَلِ الآخرةِ. (1)
حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

هرچند انسان‌ها از نظر شخصیتی با هم فرقی ندارند، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضی کارها، نیازمند کمک دیگران باشند. انسان مسلمان در این‌باره، وظیفه‌ای دارد و نباید آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده‌ای، وظیفه دارد به هم‌نوعان خود کمک کند.
شکرانه دست توانا و نعمت‌های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می‌کنند و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصوری داشته باشند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمند بی‌پاسخ می‌ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می‌فرماید:

1- نهج‌الفصاحه، ش 1208

مَنْ قادَ اعَمی أَرْبَعینَ خُطْوَةً غُفِرَلَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (1)
هرکس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناهانی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می‌تواند به راحتی بر مشکلات بزرگ نیز چیره شود.
این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می‌کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات

1- همان، ش 2916

بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:
لا سَهْلَ الّا ما جَعَلْتَ سَهْلًا. (1)
هر قدر آسان بگیری، آسان می‌گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

یُحِبُّ اللَّهُ العامِلَ اذا عَمِلَ انْ یَحْسُنَ. (2)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.

1- همان، ش 2498

2- همان، ش 3217

گ

گذشت

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرتِ استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

اسْمَحْ یُسْمَحْ لَکَ. (1)
آسان‌گیر تا بر تو آسان گیرند.
ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید:
خُلْقانِ یُحِبُّهُما اللّهُ ... فَامَّا اللَّذانِ یُحِبُّهُما اللّهُ فَالسَّخاءُ وَ السَّماحَةُ. (2)
خدا، دو صفت را دوست دارد ... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می‌آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه‌ای نان محتاج شده‌اند یا چه بسا آدم‌هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان‌مندی که نعمت سلامتی و قدرت

1- نهج الفصاحه، ش 293
2- همان، ش 1454

جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟
به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:
روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار داردچرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
کَفی بِالدَّهْرِ واعِظاً وَ بِالْمَوْتِ مُفَرِّقاً. (1)
چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

بسیار اتفاق می‌افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می‌دهد. همچنین چه بسا از

1- همان، ش 2126

پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش‌رو دارند، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌های خویش را از یاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش‌رویی، می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند. پیامبر گرامی‌اسلام، گشاده‌رویی را نوعی صدقه شمرده است و می‌فرماید:
مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَی النَّاسِ وَ أَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهِ.(1)
از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان‌ها فکر می‌کنند هرچه آدمی

1- همان، ش 3068

ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه‌ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام است.

درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبروی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد. در این صورت، خداوند نیز راضی‌تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ یُحِبُّ اذَا انْعَمَ عَلَی عَبْدٍ انْ یَری اثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَیهِ وَ یُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَؤُّسَ. (1)

هر وقت خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

1- تحف العقول، ص 56

دست‌یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود. ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می‌کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم‌خویی فرا خواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد. رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:
ثَلاثٌ مَنْ لَمْ یَکُنْ فِیهِ لَمْ یَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ

يَحْجُزُهُ عَنْ مَعَاصِی اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ یَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِیهِ وَ عَقْلٌ یُدارِی بِهِ النَّاسَ. (1)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

1- همان، ص 7

J

لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد.
بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمت دارد. باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبانزد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:
تَبَسُّمُکَ فِی وَجْهِ اخیکَ لَکَ صَدَقَةٌ. (1)
لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

1- نهج‌الفصاحه، ش 1119

ص: 180

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجاجت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند. این در حالی است که هرچه میزان لجاجت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجاجت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند.

پیامبر عطوفت و مدارا می‌فرماید:
اَبْغَضُ الرِّجالِ الیَ اللّهِ الْاَلَدُّ الْخَصِمُ. (1)
منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه‌جوست.

1- همان، ش 18

م

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد.
آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هوسْگریزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:
اشْجَعُ النّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (1)
شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

1- همان، ش 299

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام دهندگان متفاوت است.

گروهی با سعه‌صدر و واقع‌نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت‌گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش‌گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ نَفَّسَ عَنْ غَریمِه أَوْ مَحی عَنْهُ کانَ فی ظِلِ

الْعَرْشِ یَوْمَ الْقِیامَهِ. (1)
هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و با گذشت، باآنان روبه‌رو شد. البته مدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسیب‌دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاییم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می‌کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق‌کشی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

1- نهج الفصاحه، ش 2849

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستورهای اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْایمانِ بِاللَّهِ مُداراةُ النَّاسِ فِی غَیْرِ تَرْکِ حَقٍّ. (1)

عاقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد.
برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای

1- تحف العقول، ص 42

زیاد، کارمندی با بی‌پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های‌زدن‌های ممتد و بی‌جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هرگونه اعتراض، خود را بی‌گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی‌گناه نیز بدانیم؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

کُلُّ مُوذٍ فِی النَّار.(1)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر است. بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی.

1- همان، ش 2171

نمی‌کنند، بلکه با منّت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است. همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود.

پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... اعْطِ الْاجیرَ حَقَّهُ قَبْلَ انْ یَجُفَّ عَرَقُهُ. (1)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز

1- همان، ش 347

دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لا مُظاهَرَةَ اوْثَقُ مِنَ الْمُشاوَرَةِ. (1)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه‌کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف

1- نهج الفصاحه، ش 2506

روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است که با او هم‌عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لا تَعْمَلْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِياءً وَ لا تَدَعْهُ حَياءً. (1)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

1- تحف العقول، ص 58

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می‌کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می‌سازند.
این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خانه را به زحمت می‌افکنند و بی‌اطلاع میزبان، او را غافل‌گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می‌کنند.
بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در یکی از هشدارهای شدید می‌فرماید:
مَنْ مَشی إِلی طَعامٍ لَمْ یُدْعَ إِلَیْهِ فَقَدْ دَخَلَ سارِقاً وَ خَرَجَ مُعَیِّراً. (1)
هر که بی‌دعوت به مهمانی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

1- نهج الفصاحه، ش 2767

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. ازاین‌رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد.

چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می‌شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش‌بیان، باوقار و با فضیلت بود.

مردم به رسول اللَّه صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ انَّ العاقِلَ مَنْ وَحَّدَ اللَّهَ وَ عَمِلَ بِطاعَتِهِ. (1)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

1- تحف العقول، ص 54

ن

نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک‌بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان‌ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می‌گیرند و از آسیب‌های روز واپسین در امان می‌مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بیانگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار

دهیم که آن پیامبر مهرپرور می‌فرماید:
اقْرَبُکُمْ مِنّی غَداً فِی الْمَوْقِفِ اصْدَقُکُم لِلْحَدِیثِ وَ آداکُم لِلَامانَةِ وَ اوْفاکُم بِالْعَهْدِ وَ احْسَنُکُم خُلْقاً وَ اقْرَبُکم مِنَ النَّاسِ. (1)
نزدیک‌ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد.

مظلومان، دل‌های پراندوه و خاطری افسرده از ستم بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل‌سوختگان، ویرانی‌ها به بار می‌آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً واژه‌ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می‌تواند گلبانگ عدالت را

1- همان، ص 46

نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره پوید.
منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می‌فرماید:
اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَانَّها تَصْعَدُ الی السَّماءِ کَأَنَّها شَرارَةٌ. (1)
از نفرین ستم‌دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می‌رود.

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند.
این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این

1- نهج‌الفصاحه، ش 47

مسئولیت انسان‌ساز می‌گریزند. گاهی می‌گویند:
«خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک‌کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرّر شده است.
آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این‌باره می‌فرماید:
اوَّلُ ما یُحاسَبُ بِهِ الصَّلوةُ. (1)
نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می‌کنند، نماز است.

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت

1- همان، ش 979

بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ کَثُرَتْ صَلوتُهُ بِالّلَیْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ بِالنَّهارِ. (1)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره‌اش نورانی می‌شود.

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از

1- همان، ش 2813

بستر برمی‌خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می‌روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگه راز، بندگان خاص خدا را در حالت‌های گوناگون می‌توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می‌کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می‌بینیم که گروهی بی‌خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته‌اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می‌اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول اللّه صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می‌فرماید:
بَشِّرِ الْمَشَّائینَ فِی ظُلَمِ اللَّیْلِ إِلَی المَساجِدِ بالنُّورِ التّامِ یَوْمَ القِیامَةِ. (1)

1- نهج الفصاحه، ش 1090

ص: 199
به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌تواند آثار مثبت یا منفی دربرداشته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان‌های شایسته کسانی هستند که راه‌های مفید را می‌پیمایند. اینان فرصت‌های الهی را از دست نمی‌دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز خود و دیگران می‌کوشند. بر عکس، انسان‌های ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر می‌گیرند. اینان می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست به فقیران روزی می‌داد و به کمک ما نیازی نیست.» این‌گونه افراد نمی‌دانند که کمک به نیازمندان، انسان را از سقوط به پستی‌ها و حوادث ناگوار و ناگهانی در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و

آشکار از کارهایی است که مایه سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:
صَنائِعُ الْمَعروفِ تَقِی مَصارِعَ السُّوءِ. (1)
نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.

1- همان، ش 1852

و

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. ازاین‌رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مِنْ افْضَلِ الشَّفاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَیْنَ اثْنَیْنِ فیالنِّکاحِ. (1)

از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

1- همان، ش 3073

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دَین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَرْکُ الْوَصیَّةِ عارٌفِی الدُّنْیا وَ نارٌ وَ شَنارٌ فِی الْآخِرَةِ. (1)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و مایه آتش و رسوایی آن جهان است.

1- نهج الفصاحه، ش 1141

هدیه، محبت میان انسان‌ها را افزایش می‌دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران‌بهای مادی را خردمندانه نمی‌داند.
اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سنگ هدیه آشنایان، از عهده فرد خارج است. ازاین‌رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه

رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:
تَهادَوْا تَحابُّوا. (1)
به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند.
چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از

1- نهج الفصاحه، ش 1189

دانستنی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبت و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بپیماییم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نِعْمَ العَطِیَّةُ کَلِمَةُ حَقٍّ تَسْمَعُها ثُمَّ تَحْمِلُها الی اخٍ لَکَ مُسْلِمٍ. (1)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن راً می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانت می‌رسانی.

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالاتر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا باشد.

1- همان، ش 3127

هم‌نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتند، به شدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم الشأن اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَراءِ أَیادِیَ فَانَّ لَهُمْ دَوْلَةً یَوْمَ الْقِیامَةِ. (1)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد.
یکی از راه‌هایی که آدمی‌را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشینی با خوبان است.
نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند

1- همان، ش 29

و انسان با خیال آسوده می‌تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن‌گاه هم چون فرشته‌ای سبک‌بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل‌نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره‌مند شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک‌منشان می‌فرماید:

جالِسُوا الْکُبراءَ وَ سائِلِوُا الْعُلَمَاءَ وَ خالِطُوا الْحُکَماءَ. (1)

با بزرگان هم‌نشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

1- نهج الفصاحه، ش 1300

ى

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند. بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن اندوخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری اندوخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَيِّدوُا الْعِلْمَ بِالْكِتابِ. (1)
دانش را با نوشتن ثبت کنید.

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

1. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.
2. اینک او درگذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.
3. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.

1- همان، ش 2105

ص: 211

4. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم. پیامبر وارسته اسلام می‌فرماید:

اذکُروا محاسِنَ مَوْتاکُمْ وَ کُفُّوا عَنْ مَساویهم. (1)

نیکی‌های مردگانتان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم بپوشید.

1- همان، ش 249

کتابنامه

1. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد 1)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، 1374.
با پیامبر مهربانی ؛ ؛ ص213
پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
3. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبة الصدوق، 1376 ه. ق.
4. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1374.
5. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، 1368.
6. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، 1370.
7. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول،

ص: 214

1387 ه. ق.
8. صدوق، خصال، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، 1403 ه. ق.
9. طباطبايى، سيد محمد حسين، تفسير الميزان، مؤسسه اسماعيليان، 1392 ه. ق.
10. فيض كاشانى، ملا محسن، المحجة البيضاء، تهران، چاپ‌خانه حيدرى، 1340.
11.-، وافى، اصفهان، 1324 ه. ق.
12. قمى، شيخ عباس، سفينة البحار، تهران، چاپ افست مروى، بى‌تا.
13. كلينى، اصول كافى، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، 1388 ه. ق.
14. متقى هندى، كنز العمال، بيروت، مؤسسة الرساله، 1409 ه. ق.
15. مجلسى، محمد باقر، بحارالانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، 1403 ه. ق.
16. محصل، سيد عبدالوهاب، سعدى در گلستان حديث

آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، 1381.
17. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، 1377 ه. ق.
18. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، 1408 ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رايگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)

ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».